

نگاه روزنامه نگاه

گناهکار یک جنگ واقعی

*تیموتی ویلیامز**

ترجمه: نیره محمودی

گروهبان تری لیسک از شهر فاکس لیک در ایالت ایلینوی ۲۶ ژوئن در درگیری رمادی عراق کشته شد. به وسیله یک گلوله خمپاره ۱۲۰ میلی متری. این درگیری بسیار شدید بود و شخصی که لیسک را کشته بود، احتمالاً خودش نیز در این درگیری جان باخت. اما اگر زنده می ماند، چه سرنوشتی در انتظارش بود؟ دولت بوش پاسخ این سوال را دارد: او باید تحت پیگرد قرار می گرفت. اما کشته شدن سربازان آمریکایی در عراق نتیجه طبیعی جنگ است، نه یک جنایت. مخالفان آمریکا با عفو شبه‌نظامیان در این کشور یک اشتباه است. نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق اخیراً از واشینگتن دیدار کرد تا در مورد طرح مصالحه خود که شامل عفو شبه‌نظامیان می شد، با آمریکایی‌ها گفت‌وگو کند. اما آمریکا اصرار دارد که این طرح باید شبه‌نظامیانی را که با نیروهای آمریکایی درگیری می شوند، از این طرح مستثنی کند. این ممکن است یک حمایت مبهر پرستانه از نیروهای آمریکایی جلوه کند، اما به امید عراقی‌ها برای دستیابی به صلح آسیب می‌رساند.
جمهوریخواهان و دموکرات‌ها یکصداه معتقدند که عفو حملات علیه آمریکایی‌ها را افزایش داده، جنایات را بدون عقوبت رها گذاشته و شان کسانی را که برای آزادی عراق کشته شده‌اند، زیر سؤال برده، اما این اهداف ماهیت عفو، انگیزه‌هایی را که می تواند ایجاد کند و هزنه‌هایی که در مخالفت با آن می‌پردازیم، به دهنده‌دار می‌سازد. شبه‌نظامیان شکست‌خورده بدون عفو انگیزه‌ای برای توقف خشونت‌ها ندارند و تصور می‌کنند که صلح یعنی زندان. عفو زمانی کارایی بیشتری دارند که جامع باشند. آنها می‌توانند تنویرهای خطرناکی نظیر القاعده را مستثنی کنند، اما هر استثنایی رأی را علیه مصالحه خلق خواهد کرد. در واقع اگر تیر هوهای است‌عفو موجب توقف خشونت‌ها نشود، اما به افزایش آن هم منجر نخواهد شد. شبه‌نظامیان همین حالا هم در تعداد آمریکایی که در عراق کشته شده‌اند، بیش از چهار برابر یک دختر ۱۴ ساله عراقی و کشتن تمام خانواده‌اش، گناهکار شناخته می‌شود. شبه‌نظامیانی که سربازان آمریکایی را شکنجه می‌کنند، شایسته عفو نیستند. اما این بدان معنی نیست که همه عراقی‌ها را در یک کار زندانی کنیم. ما نمی‌خواهیم که در مورد تمام جنگجویانمان بر مبنای وقایع ابوغریب قضاوت شود. در حقیقت آن چه که بیش از همه به موجب کج‌فهمی در مورد خواسته آمریکا منجر می‌شود، این است که آمریکایی‌ها به جای این که تروریست‌های واقعی را معرفی کنند، گروهی را که یک نیروی مبارز معمولی محسوب می‌شود، مجرم می‌شناسند. شبه‌نظامیانی که فقط با نیرو‌ه‌های آمریکایی می‌جنگند. در عراق یک نیروی شبه‌نظامی سازمان یافته فعالیت دارد. ما در جنگ هستیم، آنها هم همین طور. هنگامی که سربازان ما در درگیری افراد مقابل را می‌کشند، در واقع مرتکب جنایتی نمی‌شوند. همین منطقی در مورد عراقی‌ها هم صادق است. دولت بوش با مجرم شناختن مخالفان خود این افسانه را که ما در حال جنگ با گروهی بدوی و عالی‌جناب مرگ هستیم، جا می‌اندازد. اما این افسانه به یک تناقض دامن می‌زند: ما در یک جنگ درگیر هستیم – به استثنای زمانی که نیستیم. حقوق مدافعان جنایت محدود می‌شود، زیرا ما در جنگ هستیم، اما ما در مرزها ما با جنگجویان نمی‌کنجیم، بلکه با جنایتکاران در حال نبرد هستیم. ما در جنگ هستیم و زندانی در اختیار داریم، اما ما زندانیان جنگ را در اسارت نداریم؛ کانسیون‌نو از ما حمایت می‌کند، اما از آنها نه. بالاخره ما در حال جنگ هستیم یا نیستیم. اگر هستیم، پس این غرور بی‌جایی است اگر تصور کنیم که می‌توانیم بدون قاتل شدن حق مبارزه برای دشمن، به به جنگ ادامه دهیم. این خودبینی زمانی دو چندان می‌شود که تصور کنیم، این جنگی است که فقط ما در آن درگیر هستیم. این جنگ عراق است و عراقی‌ها هستند که رنج آن را حس می‌کنند. ما چگونه می‌توانیم روی عفو که تصمیم‌گیری در مورد آن تحت اختیار آمریکایی‌ها است، صحبت کنیم. این حق ما است که به یاد جنگجویان کشته خود را زنده نگه داریم، اما این یادآوری مستلزم انتقام نیست. در واقع فداکاری نه تنها براساس کشته‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، بلکه اسماک و شکلیایی نیز بر آن تأثیرگذار است. هیچ آمریکایی خواهان مرگ نیروهای آمریکایی نیست. اما هر آمریکایی، از جمله رهبران سیاسی‌مان باید این جرات و جسارت را داشته باشند که بگویند اگر عفو در برابر کشته‌شدگان مان به تحقق صلح در عراق کمک می‌کند، این یک فداکاری است که ارزشش را دارد. ما به توجیه هراس و تکبر قدرت خود در این جنگ به دستاوردهای دست یافتیم که متأسفانه بسیار غلط بودند. بایداد از اصرار بر راه اول دست برداریم و شانس خودمان را در مورد صلح نگویم‌ده اما امتحان کنیم. گروهان لیسک و هزاران نفر دیگر برای رسیدن به آرامی که کشورمان متعهد به آن است، جنگیده‌اند و کشته شده‌اند. ما زمانی به آنها افتخار می‌کنیم که توانسته باشیم صلح را به کشوری که در آن کشته شدند، آورده باشیم. اکنون این آرمان ما است.

منبع: نیویورک تایمز

•یازرس سابق دادگاه بین‌المللی جنایت‌های جنگی در یوگسلاوی سابق

علوم سیاسی

گفت‌وگوی پانوس پاپولیس با دیوید هلد

جهانی‌شدن، مقبول همگان

ترجمه: **دانیال شاه‌زمانیان**



چیزی که برای چپ میانه و جامعه‌مدنی به طور خاص بسیار خطرناک است.
سؤال منتصفانه‌ای پرسیدید. همیشه هنگامی که شما در پی پیونددادن آرمان‌ها با سیاست‌ها هستید خطر درغلتیدن به ساختار کوتاه مدتی که آرمان‌های شما را تسلیم خود می‌کنند وجود دارد. به نظر من نقش احزاب و نقش سازمان‌های جامعه‌مدنی متفاوت است. از یک منظر نقش احزاب چپ میانه ساختن پلی میان اصول و سیاست‌هاست. حزب چپ میانه اگر می‌خواهد موثر باشد باید ارتباطی مناسب میان این دو بسازد. اما سازمان‌های جامعه‌مدنی همیشه باید تلاش کنند تا برنامه‌کاری‌شان فراتر از این حدود برود یعنی اگر چنین فشاری نباشد سیاست‌مداران همیشه به سیاست‌های سنتی بسنده می‌کنند.

به تاریخ برنامه‌های ترقی‌خواهانه در انگلستان نگاه کنید. برنامه دولت بلر با شعارهای این شهسوار شکست‌خور چپ میانه شروع شد. اما این برنامه‌امروز در باتلاق مباحثت سیاست‌گذاری و اصلاح بخش دولتی و سیاست خارجی مصیبت‌بار و واپس‌گرای او فرو رفته است. به بیان دیگر لازم است که میان نقش حزب که باید در مقام پلی محوری عمل کند و نقش جنبش اجتماعی که باید به طور پیوسته اطمینان حاصل کند که آرمان‌ها به حد کافی به این سیاست‌ها فشار وارد می‌کنند و این سیاست‌ها در جهت رسیدن به آن آرمان‌ها تنظیم شده‌اند، تمایز قائل شویم.

آیا فکر می‌کنید که کمبودهای دموکراسی مبتنی بر نمایندگی دلیل خیزش جنبش‌های اجتماعی است؟
دموکراسی مبتنی بر نمایندگی هم گریزنایدیر است و هم ناقص. گریزنایدیر این است که با جابگیرنی‌های زیادی برای این شکل دموکراسی وجود ندارد و ناقص است به این خاطر که بسیاری بی‌تاثیر است، در اموری مانند گفت‌وگو چندان خوب عمل نمی‌کند. باید قوه تخیل مان را قوی کرد و در مورد گذشتگان‌های جدید مشارکت مردم در سیاست فکر کنیم. تا حدی جامعه‌مدنی ترقی‌حوزه جدیدی برای سیاست است که دولت می‌خواهد آن‌را تسخیر کند یا با آن وارد گفت‌وگو شود و همین تکثر یکی از عناصر جدانشدنی دموکراسی سالم است. دموکراسی رسمی شرطی است که زمینه‌اربابی شکوفایی جامعه‌مدنی فراهم می‌کند. در عوض، جامعه‌مدنی بستری است که دموکراسی در آن پایدار خواهد ماند. این دو لازم و ملزوم یکدیگرند.

•در گریزنایدیر این است که با جابگیرنی‌های زیادی در حزب چپ میانه، جنبش چپ میانه را به سکوت واداشته است؟

فکر می‌کنم که سیاست خارجی انگلیس اساساً تسلیم مواضع آمریکا شده. با چنین موضعی دولت می‌توانست در برابر مخالفان مقاومت کند. این وضعیت کاملاً سیاست ماکیاولیستی گستاخانه‌ای است که از مناسبات قدرت نشأت می‌گیرد. دولت انگلیس همه اموری را که ما به عنوان باورهای چپ میانه درباره صلح و امنیت می‌شناسیم قربانی کرده. بلر به مثابه فردی طرفدار اروپاگرایی و جهان‌گرایی شروع کرد ولی با تضعیف اتحادیه اروپا و نهادهای بین‌المللی دارد کارش را به پایان می‌برد.

•عمل‌گرایی و سیاست سیال

•آیا چپ میانه طرف بحث جنبش‌های جامعه‌مدنی است؟
خیلی تاسف‌برانگیز است که احزاب سنتی راست میانه

تلاش‌های جامعه‌مدنی را

ترقی‌خواهانه می‌سازد و برخی را نه.

•معضلات چپ میانه

•با این وصف، شما چه چیزی را جوهره م‌ترقی‌بودن جامعه‌مدنی یا ترقی‌خواهی در سیاست می‌دانید؟
در روزگار ما جوهره ترقی‌خواهی در دل اصول عدالت جهانی و اصول دموکراسی و پاسخگو‌بودن و موضوعات مربوط به محیط زیست و بقای آن قرار گرفته. ترقی‌خواهی می‌پذیرد که سازوکار بازار را همه پذیرفته‌اند اما لازم است تا با قوانینی جدید به کار ادامه دهد. ما باید قبول کنیم که اگر مایلیم برنامه‌های خودمان را با موفقیت پیاده کنیم، نیروهای مسلط بر جهان بلافاصله این قواعد جدید را نمی‌پذیرند مگر اینکه این موضوعات به امور مورد توجه آن‌ها بستگی داشته باشند، مثلاً وابسته به اموری امنیتی باشند؛ البته نه فقط تروریسم بلکه مشکل دولت‌های ناسازگار و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای نیز شامل این می‌شود. این قبیل موضوعات در میان چپ‌های میانه چندان آشنا نیستند. به نظرم می‌رسد که ترقی‌خواهی برای دست و پنجه نرم کردن با معضلات وابسته به حاکمیت باید علایق جامعه‌مدنی را به روشنی بیان کند و از برنامه‌های کهنه هم فاصله بگیرد. شما نمی‌توانید هیات حاکمه را متقاعد کنید که چپ میانه پاسخ‌هایی در خور توجه برای مسائل حاکمیتی دارد مگر اینکه به آن‌ها القا کند.

•آیا منظور شما این است که اندیشه‌های چپ میانه همان

اندیشه‌هایی است که چپ‌ها سی‌چهل سال پیش در سر داشتند؟
ما باید همیشه یادمان باشد که چپ هیچ‌وقت یک صدای واحد و منسجم نبوده و امروز هم صداهای مختلفی در چپ میانه وجود دارد. این امر تا حدی خوب است؛ مسئله تفسیر اشاره کردید. ممکن است با جزئیات بیشتری درباره نقش جنبش‌های اجتماعی در رابطه با تجدید سازمان جهانی سخن بگویید؟

نمی‌شود ایمان داشت که جنبش‌های جهانی ضرورتاً باشکوه و خرمندانه باشند؛ این امر باید در سرشت سیاست این جنبش‌ها و ماهیت کارهایی که انجام می‌دهند بروز کند. شما می‌توانید در ایالات متحده گروه‌های اجتماعی بی‌شماری پیدا کنید که طرفدار سقط‌جنین هستند و همین طور می‌توانید گروه‌های بسیاری هم پیدا کنید که مخالف این کار هستند؛ همه این گروه‌ها سازمان‌های جامعه‌مدنی هستند اما همه این گروه‌ها از اندیشه‌های ترقی‌خواه پیروی نمی‌کنند. سرشت ترقی‌ جامعه‌مدنی موضوعی است که باید در جای خودش به آن فکر کرد و تا حدی از ماهیت این جنبش‌ها مستقل است.

برای اینکه به سؤال شما به طور کلی پاسخ دهم به نظرم می‌رسد روندی که در پیست یا سی سال گذشته به دست جنبش سبزها یا تغییراتی در سیاست‌های مربوط به محیط‌زیست شروع شد و سراعاًظهور جنبش‌های مربوط به جهانی‌شدن بود، جنبش‌های اجتماعی تأثیر فوق‌العاده‌ای بر تغییر جهت روند جهانی‌شدن داشتند و این روند را از شکل نولیبرال درآوردند تا روند‌های جهانی دموکراتیک‌تر و مسئولیت‌پذیرتر باشند و موسسات ملی هم دموکراتیک‌تر و پاسخ‌گوتر باشند. این جنبش‌ها موضوعات جدید و بنیادینی را در دستور کار گنجانده‌اند. با این وجود، بسیاری از این جنبش‌ها جدا از هم کار می‌کنند. مثلاً سازمان OXFAM طلایه‌دار مباحث مربوط به موضوعاتی مانند تجارت، وام‌های جهانی و حتی فقر جهانی است. سازمان «پزشکان بدون مرز» کارهای خارق‌العاده‌ای در حوزه بهداشت و زایمان و موضوعاتی از این دست انجام داده است. گروه‌های چندین و چندگانه‌ای هستند که کارهای مهمی انجام می‌دهند و برنامه‌کاری‌شان مشهود و جهانی است.

ما در پیست، سی سال گذشته شاهد این بودیم که جنبش‌های اجتماعی برنامه‌های کاری‌شان را از تجارت و وام‌دادن به موضوعاتی مانند محیط‌زیست، حفظ محیط‌زیست، فقر و اموری از این قبیل تغییر داده‌اند. این وظیفه روشنفکران و احزاب سیاسی است که به بحث درباره این موضوعات بپردازند و به راحتی تنها به این دلیل که این برنامه‌ها از جامعه‌مدنی سرچشمه گرفته‌اند آن‌ها را قبول نکنند.

•پلی میان اصول و سیاست‌ها

•به هر حال، اگر تا حدودی عمل‌گرایی را بپذیریم آیا دچار لغزش‌هایی نیست به سیاست معطوف به قدرت نشده‌ایم؟

سال سوم ■ شماره ۸۴۰ شرق

نگاه کارشناس

در عراق باید چه کرد

نسخه اشتباه

چایم کافمن*

ترجمه: نهمینه رستاخیز



آیا هیچ راهکاری – واسطه

بین‌المللی، همکاری منطقه‌ای، تمرکززدایی یا مذاکرات نهادهی – می‌تواند عراق را از یک جنگ داخلی تمام‌عیار و دولت‌بوش را از یک شکست متضحانه در سیاست خارجی نجات دهد؟ این سؤالی است که مجله فارن ازنز به اترح گذاشته است و کارشناسان سیاست خارجی به آن پاسخ داده‌اند. بیدل به واشینگتن توصیه می‌کند که تلاش‌های خود را در جهت تقویت دولت موقتاً تعطیل کند تا بتواند معامله‌ای را میان تمام گروه‌ها برقرار سازد و از طریق تهدید این گروه‌ها به تغییر در سهمشان در قدرت نظامی، بین آنها مصالحه به وجود آورد. در عمل چنین خط مشی‌ای به این معناست که ائتلاف عراق متحد که بلوک اصلی احزاب شیعی مذهب است، را به صرف نظر کردن از غنایم پیروزی در انتخابات دسامبر وادار ساخت. این استراتژی احتمالاً شکست خواهد خورد. تلاش جهت تقسیم قدرت میان گروه‌های فرقه‌گرا نه تنها منازعات را خاتمه نمی‌دهد بلکه می‌تواند به آن شتاب بی‌بخشد. ابراهیم جعفری مجبور به کاره‌گیری شد اما ائتلاف عربی دوحار اشعاب نشد.

بهرغم رقابت‌های داخلی، رهبران شیعی تعهد خود را برای تصمیم‌گیری درباره موضوعات مهم قبل از مذاکره با آمریکا، حکومت و یا هرکس دیگری، دو چندان کردند. در آوریل ائتلاف عراق متحد نیروی المالحی را به عنوان کاندیدای خود انتخاب کرد. احزاب عمده سنی و خرد‌بلادرنگ این کاندیدا را پذیرفتند اگر چه مالکی آخرین گزینه نبود. تلاش برای ایجاد یک نیروی امنیتی واقعاً عراقی ره به جایی نخواهد برد چرا که هیچ جنبش نیرومند در لحاظ سیاسی مشروعی وجود ندارد که به عراق وفادار باشد. برخی از واحدهای ارتش عراق که تحت کنترل آمریکا قرار دارند از به کار بردن خشونت در جهت اهداف فرقه‌گرایانه منع شده‌اند. در مارس ائتلاف عراق متحد بیشتر از آمریکا دریافت‌کنند. هر تلاشی جهت بازدار ساختن در وزارت امور داخلی باز دارد. بیشتر رهبران شیعی خواستار خروج سریع نیروهای آمریکایی نیستند اما تنها به این دلیل که امید دارند پیش از آنکه جنگ داخلی وسعت گیرد کمک‌های بیشتری از آمریکا دریافت کنند. هر تلاشی جهت بازدار ساختن عراقی‌ها به تقسیم قدرت می‌تواند منجر به کاهش سریع و متضحانه سربازان آمریکایی و با خروج کامل آنها شود. در حال متوقف کردن خشونت میان گروه‌های مختلف ورای توان هر دولتی در عراق است. به عنوان یک نتیجه، گزارشات حال تجزیه‌شدن به بخش‌های قومی– مذهبی است. هر چه اوضاع ناامن‌تر می‌شود، مناطق و محله‌های شهری مختلط به بخش‌های مجزا تفکیک می‌شوند. هیچ‌کس نمی‌داند که این فرایند تا دراز مدت خواهد بود. به عنوان یک نتیجه، گزارشات می‌گویند که بسیاری از شهرها تا کنون تک قومی شده‌اند. شبه‌نظامیان شیعی و سنی از دواولبان جدید اشباع شده‌اند. برای مردم عراق اتفاق می‌افتد مقرر است. هر چه بی‌لان شده

است. عراق به تدریج مرزهای داخلی قومی خود را مستحکم می‌کند. از آنجا که ارایش قومی بهداد پیچیده‌تر از آن است که به دو قسمت تقسیم شود، برخی از مناطق آن به محدوده‌هایی بدل خواهد شد که با سیم خاردار احاطه شده‌اند. این راه‌حل نادرست قبلاً نیز در پیش گرفته شده است. در اورشلیم مونت اسکوپوس از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ یک جزیره یهودی‌نشین بود. در این جزیره ایالات متحده نیرومندترین مرکز نظامی در عراق باقی خواهد ماند. در چنین وضعیتی تنها یک وظیفه بر جای می‌ماند. به حداقل رساندن خسارات انسانی ناشی از پاکسازی قومی. ایالات متحده از طرف بیشتر جهان برای مصائبی که برای مردم عراق اتفاق می‌افتد مقصر است. هر چه بی‌لان به اتهامات کوتاه‌تر باشد بهتر است. برآورده‌سازی این الزام به معنای کاربرد قدرت نظامی آمریکا در جهت حمایت از آوارگانی است که می‌خواهند مهاجرت کنند. نیروهای آمریکایی بایست از مناطق و محله‌ها آسیب‌پذیر در مقابل برابر افراطیون تا زمان انتقال این مردم به مکان‌های امن، دفاع کنند. ممکن است برخی بگویند که این سیاست به پاکسازی قومی مشروعیت می‌بخشد، اما در غیر این صورت بایست با این ذهن‌ایالات متحده نیرومندترین مرکز نظامی در عراق روبه‌رو شد. به هر اندازه که این سیاست موفق شود، عراقی‌ها درد و رنج کمتری را متحمل خواهند شد. چنین سیاستی سنی‌های عراق را که هنوز خارج از قدرت هستند آرام نخواهد کرد. همچنین حکومت‌های عصبانی عرب را. اما هیچ خط‌مشی‌ای نمی‌تواند از این نارضایتی جلوگیری کند. سه سال شورش در عراق آنچنان تروریسمی به وجود آورده که مشکل بتوان آن در متوقف کرد.

•چایم کافمن استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه لهای

منبع: From Foreign Affairs,

July,August,2006

بخش یابانی



آگهی فراخوان ارزیابی

شرکت سهامی برق منطقه ای سیستان و بلوچستان در نظر دارد حدود ۵۵۰۰۰ متر اتواع کابل فشار ضعیف مورد نیاز پروژه‌های روستایی خود را از طریق مناقصه خریداری نماید.

لذا بدین وسیله از شرکت‌هایی که تمایل شرکت در مناقصه فوق را دارند درخواست می‌گردد حداکثر ظرف مدت ۵ روز از تاریخ این آگهی با ارایه معرفی نامه کتبی به آدرس زیر جهت دریافت دفترچه حاوی فرم‌های ارزیابی اقدام نمایند و در صورت داشتن شرایط لازم مطابق مندرجات دفترچه عمل نمایند.

- تهران: خیابان برزیل شرقی، جنب بانک تجارت، شرکت توانیر، ساختمان شهید عباسپور، بلوک ۱، نیم طبقه اول، واحد ۱۰۳

- زاهدان: خیابان دانشگاه، شرکت سهامی برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان، امور بازرگانی

- مشهد: خیابان دکتر بهشتی، بلوار ذکریا، انتهای خیابان پارس، مجموعه شماره ۲ برق خراسان، شرکت منیران

بدیهی است که پاکت‌های حاوی فرم‌های ارزیابی پیمانکاران باید ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ درج آگهی به آدرس زاهدان تحویل گردد.

روابط عمومی

شرکت سهامی برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان



آگهی فراخوان ارزیابی

شرکت سهامی برق منطقه ای سیستان و بلوچستان در نظر دارد حدود نود هزار عدد اتواع مقره فشار متوسط و ضعیف اپرسلنی و سلیکونی مورد نیاز پروژه‌های روستایی خود را از طریق مناقصه خریداری نماید.

لذا بدین وسیله از شرکت‌هایی که تمایل شرکت در مناقصه فوق را دارند درخواست می‌گردد حداکثر ظرف مدت ۵ روز از تاریخ این آگهی با ارایه معرفی نامه کتبی به آدرس زیر جهت دریافت دفترچه حاوی فرم‌های ارزیابی اقدام نمایند و در صورت داشتن شرایط لازم مطابق مندرجات دفترچه عمل نمایند.

- تهران: خیابان برزیل شرقی، جنب بانک تجارت، شرکت توانیر، ساختمان شهید عباسپور، بلوک ۱، نیم طبقه اول، واحد ۱۰۳

- زاهدان: خیابان دانشگاه، شرکت سهامی برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان، امور بازرگانی

- مشهد: خیابان دکتر بهشتی، بلوار ذکریا، انتهای خیابان پارس، مجموعه شماره ۲ برق خراسان، شرکت منیران

بدیهی است که پاکت‌های حاوی فرم‌های ارزیابی پیمانکاران باید ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ درج آگهی به آدرس زاهدان تحویل گردد.

روابط عمومی

شرکت سهامی برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان